

«وطن امروز» گزارش می دهد: روز سرنوشت‌ساز سرخابی‌ها

در قزوین و تهران

جابمانی جام را دادی



سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۳ | ۱۹ خرداد ۱۴۴۵ | ۲۰۲۴هـ.ق | سال شانزدهم | شماره ۴۹۶ | صفحه ۵-۵۰۰۰ تومان

تیتراهای امروز

مراسم افتتاحیه مجلس دوازدهم شورای اسلامی
دب‌روز با پیام رهبر انقلاب بر گزار شد

بهارستان امیدآفرین

■ رهبر انقلاب در این پیام نمایندگان را از مسابقات بی‌فایده رسانه‌ای و مجادلات مفر سیاسی بر حذر داشتند



صفحه ۲

میزگرد تحلیلی «وطن امروز» درباره بدرقه تاریخی شهدای خدمت با حضور جواد وزیری سیدعلی کشفی، محمدحسن نبلی وعلیرضا بلبلغ

باطن ایران

■ این تشییع بنیان وحدت در جامعه ایران را نمایان کرد
■ در روز تشییع شاهد به صحنه آمدن هسته مرکزی جامعه ایران بودیم
■ دولت شهیدرئیس‌ی بروکراسی را به خدمت حل مسأله آورد
■ نیروی حاصل از این رخداد را باید به خدمت ساخت آینده مطلوب در آورد



صفحه اول

نگاه

پول مشترک بریکس ضرب‌های دیگر بر سلطه دلار

شهاب خادم: ۶ ماه به نشست سران گروه بریکس در روسیه مانده است. نشستی که بحث بر سر ایجاد واحد پولی مشترک از اصلی‌ترین موضوعات آن خواهد بود. عضویت دائم ایران، عربستان، مصر و آرژانتین در این ائتلاف اقتصادی جان تازه‌ای به آن داده و کشورها با پتانسیل بیشتری به سمت اهداف خود حرکت می‌کنند.

ایران، روسیه و چین در گروه بریکس جدید بیشتری برای تشکیل واحد ارزی جدید که بتواند جایگزین دلار در معاملات میان اعضا قرار گیرد، دارند. هر چند این ایده از سال ۲۰۱۸ میان اعضای بریکس وجود دارد اما تحولات چند سال اخیر در عرصه جهانی و تحریم اقتصادی گسترده روسیه از سوی کشورهای غربی، نه تنها اعضای بریکس بلکه دیگر کشورهای جهان را نیز به فکر استقلال هر چه بیشتر از دلار آمریکا انداخته است.

مسأله مهم اینکه کشورهای عضو گروه بریکس به صورت گسترده و در برخی موارد تا ۸۰ درصد از گردش مالی در تجارت متقابل از ارزهای ملی استفاده می‌کنند، از این رو پتانسیل بالایی برای پذیرش ارز واحد وجود دارد.

پیشنهادهای ایجاد واحد پولی مختص بریکس برای نخستین بار سال ۲۰۱۸ میلادی به طور رسمی در «کنفرانس گفت‌وگوی والادی» اعلام شد. در این سال اما این پیشنهادها در سطحی فراتر از سخنرانی از تریبون‌ها نبود اما سال ۲۰۲۲ میلادی، روسیه که با تحریم‌های شدید غرب روبرو است، این ایده را به صورت رسمی دنبال کرد و مقامات این کشور بارها بر لزوم اجرایی شدن این ایده تأکید کرده‌اند.

در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز که سال‌ها در پی خلاصی از سلطه دلار و بی‌اثر کردن تحریم‌های غرب است، اصلی‌ترین حامی «ارز واحد بریکس» به شمار می‌رود و اینک بیش از ۶۰ درصد تجارت دوجانبه بین ایران و روسیه به روبل و ریال است.

روسیه نیز که پس از جنگ اوکراین به شکل بی‌سابقه در معرض تحریم‌های غرب قرار گرفته است، تمام تلاش خود را برای استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری جهانی خود به کار گرفته است، تا جایی که به گفته ولادیمیر پوتین در سفر اخیر وی به چین، ۹۰ درصد معاملات چین و روسیه با دور زدن دلار و با ارزهای ملی انجام می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر درباره تلاش گروه بریکس برای ایجاد ارز واحد، مسأله کاهش قدرت دلار در عرصه جهانی است. در این بین موضوع هجوم کشورها برای خرید طلا و افزایش ذخایر طلای خود طی ۲ سال اخیر سرتیتر رسانه‌هاست که معنا و مفهوم روشنی دارد.

ادامه در صفحه ۳

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

۱۸۹۱سال و ۲۴۷روز گذشت |

شنیده‌های خبرنگاران در حاشیه جشنواره کن از ساخت فیلمی درباره کارگردان بزرگ سینما

برگمان فیلم می‌شود

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4049 | TUE.MAY.28.2024 | ISSN:2008-2886

یادداشت روز

فهم واقعیت جامعه و کوررنگی ایدئولوژیک | ارمیا عزیزی |

یکی از جامعه‌شناسان پرسروصدای لم‌داده در فضای مجازی در کوران حوادث ۱۴۰۱ ایران در تظقی آتشین خطاب به جوانانی که قصد مهاجرت یا خودکشی داشتند گفت: «کنید! فعلا صبر کنید، ظرف یکی، دو سال آینده شاهد تحولات بزرگی خواهید بود». از قضا چند ماه دیگر به ۲ سالگی آن سخنرانی می‌رسیم و به احتمال زیاد هیچ تحول بزرگی که جامعه‌شناس مذکور انتظارش را می‌کشید هم رخ نمی‌دهد و به شکل طبیعی نسخه وی به جوانان اینگونه خواهد بود: «مهاجرت کنید! اگر امکانش را ندراید خودکشی کنید!» البته بعید است این جامعه‌شناس مشهور امروز به این صراحت جمله دوم را به کار ببرد اما او همین قدر صریح در جو نیمه‌واقعی -نیمه کاذب سال ۱۴۰۱ جمله اول را به زبان آورد، جمله‌ای که سواى ضعف تحلیلی گوینده‌اش از روند تحولات سیاسی و اجتماعی، نوعی شتاب‌زدگی حاد در موضع‌گیری روی جو حاکم بر جامعه را نشان می‌دهد. واقعیت آن است که از تباطؤ روزمره و تنگاتنگ تمام انسان‌ها با جامعه باعث می‌شود همگان درباره کلیتی که نامش را جامعه یا مردم می‌گذارند هم ببندیشند و اظهار نظر کنند در کمتر نقطه‌ای از جهان می‌توان وارد جمعی شد که در آن گزاره‌های مختلفی درباره جامعه طرح نشود. با این حال نه واژه مردم آنقدر تهی از تضاد معنایی است که بتوان گزاره‌ای کلی درباره آن طرح کرد و نه ساختارهای اجتماعی آنقدر عیان هستند که همگان بتوانند به آن نگاه دقیقی داشته باشند که اگر چنین بود اساسا دانش اجتماعی به عنوان یک تخصص نوین جایی در میان علوم باز نمی‌کرد. یک اندیشمند اجتماعی یا جامعه‌شناس در نخستین گام برای شناخت جهان پیرامونی خود باید از حصار طبقاتی، جغرافیایی و هنجاری شکل گرفته در پیرامون خود حتی‌المقدور خارج شود تا امکان فهم جامعه از منظر دیگر مردمان را بیابد. در ناخودآگاه همه انسان‌ها مردم در نسبت با «خود» تعریف می‌شوند. عموماً انسان‌ها از نقطه‌ای که ایستاده‌اند پیرامون خویش را با محیط، منافع و ارزش‌های خود کدگذاری می‌کنند و دنبال تأییدی برای کدهای خودمی‌گردند. به همین خاطر تعریفی که طبقات اقدار اجتماعی مختلف از خیر جمعی، حقوق و تکالیف دارند با یکدیگر متضاد است و این تضاد میدان نزاع‌های سیاسی و اجتماعی را باز می‌کند. در چنین فضایی عبور از این حصارها و قرار گرفتن در جایگاهی رفیع‌تر پیش شرط این اندیشمند اجتماعی برای شناخت جامعه است. با ایسن حال تجربه‌های متمادی حکایت از آن دارد که باز هم جامعه‌شناسان سوزه مقاله خود را در نسبتی گسست‌ناپذیر از نظام ارزشی خود می‌بینند و سه جای آنکه به دنبال کدگذاری از حوادث اجتماعی پیرامون خود باشند، خیلی اوقات مشغول کدگذاری‌های جدید برای تأیید پیش‌فرض‌های خود می‌شوند. در چنین موقعیتی اگر اندیشمندان اجتماعی خود را محتاج دریافت تأیید از محیط بدانند که از آن برخاسته‌اند، ناخودآگاه دچار یک کوررنگی در مشاهده حوادث اجتماعی می‌شوند. نمونه مشابهی از این امر در ماه‌های اخیر اینچنین است مأمنده نمی‌بینند یا اگر هم به چشم می‌آورند و نمونه مشابهی از این امر در ماه‌های گذشته و همزمان با نسل‌کشی آشکار رژیم صهیونیستی در جریان غزه طرح شد که چرا روشنفکران ایرانی که همواره ژست متخالف تولید دارند در برابر این جنایت فجیع سکوتی تأییدآمیز اتخاذ کرده‌اند؟

این کوررنگی در برابر مصادیقی همچون حضور ۴ میلیون ایرانی در اجتماع اربعین حسینی، بدرقه چند میلیون رئیس‌جمهور شهید در تشییع‌های تبریز، قم، تهران، بیرجند و مشهد، حضور میلیونی در آیین‌های مذهبی از سکوت در برابر بزرگ‌ترین نسل‌کشی معاصر در غزه که فریاد بسیاری از روشنفکران غربی را نیز درآورد، از سوی دیگر نشان از آن دارد که بخش بزرگی از جریان فکری غرب‌گرا در کشور نه تنها ناظران خوبی نیستند که آنچه به عنوان ناظر نیز تفسیر می‌کنند کاملاً برخاسته از نگرش ایدئولوژیک آنهاست. کوررنگی ایدئولوژیک جامعه روشنفکری غرب‌گرا در ایران در برهه‌ای مختلف با تحلیل‌های غلط و جزوده این جماعت باعث شده وجاهت جامعه دانشگاهی کشور نیز ضربه ببیند و این ضربه در بلندمدت جایگاه نهاد دانشگاه را در جامعه ایران تضعیف کرده است. جامعه وقتی دانشگاه را به عنوان عالی‌ترین نظام فکری کشور نه در جلوی خود که در پشت سر خویش پیدا کند عملاً برای یافتن پاسخ‌های خود نیز به نخبگان سیاسی و اجتماعی رجوع نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۲

در حمله جنون آمیز رژیم صهیونیستی به چادرهای آوارگان در غرب رفح ۴۰ نفر به شهادت رسیدند

داغ رفح



گتتی‌ایم‌جس

صفحه ۷

راز محبوبیت آیت‌الله شهید رئیسی

حق آشکارش بود، سکوت می‌کرد تا صحنه کشور را از زد و خورد و اختلافات مسؤولان پاک نگه دارد. این ویژگی برای مردمی که خاطره یکشنبه سیاه مجلس و طعنه‌های مداوم رؤسای جمهور و سایر قوا در تریبون‌های مختلف و بعضی آپروریزی‌ها را در حافظه دارند، بویژه بعد از تکان محکم حادثه شهادت رئیسی بسیار ملموس شد.

۳- سیاست‌ورزی موحدانه: رئیسی نماد کامل یک انسان موجد بود. وقتی او به وزیر ارتباطات می‌گوید «به کارگزاران تو تسال آندینده... بگو فردا! معلوم نیست فردا زنده باشیم» یعنی خدایاپوری در همه محاسبات و تذکر به «لامؤثر فی الوجود الا الله». سیاستمدار موجد قدرت را فرصت خدمت به خلق الله می‌بیند، لذا ایشان همواره به وزرایش یادآوری می‌کرد: الفرضه تضر مرالسحاب، مبادا فرصت بسوزانید. در این ساختار فکری و عملی بود که شهید بزرگوار هرگز در محاسباتش انتخابات ۱۴۰۴ را در نظر نمی‌گرفت که بخواهد مهره‌چینی یا اقداماتش را بر اساس رأی آوری در دوره بعد محاسبه کند؛ چیزی که در رفتار اکثر مسؤولان دیده می‌شود و عجیب توفیق اخلاص در عمل را از آنان می‌گیرد. حتی تصمیم ورود او به انتخابات براساس تکلیف مداری و به نوعی ایثار و روی مین رفتن بود نه مسیری برای کسب قدرت بیشتر. خستگی‌ناپذیری او در خدمت به مردم و تحمل فوق‌العاده‌ش در مقابل بداخلاقی‌ها تحت تأثیر همین خدایاپوری بود. مقام معظم رهبری در پیام تسلیت‌شان به مناسبت شهادت ایشان فرمودند «برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت. از این روزگاری‌هایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان مانع تلاش شبانه‌روزی‌اش برای پیشرفت و اصلاح امور نمی‌شد».

۴- بازگرداندن تصویر مسؤول پاکدست: فساد و اشرافیت مهم‌ترین عاملی است که بین مردم و مسؤولان فاصله ایجاد می‌کند و حتی احساس تعلق به میهن را مخدوش می‌کند. در حکمرانی اسلامی اشرافیت مسؤولان مطرود است. اما زاویه پیدا کردن برخی مسؤولان از این مبنای مهم و تبلیغات و اتهام‌زنی‌های گسترده دشمنان از طریق رسانه‌های‌شان تصویر ذهنی مردم از مسؤولان را الوده به اشرافی‌گری و زدنی کرده است. سیدابراهیم رئیسی کسی بود که از ابتدای ورودش به عرصه انتخابات نزد مردم لقب «سید محرومان» را گرفت. او از دل فقر بیرون آمده و در تمام عرصه‌های فعالیتش عملکرد فسادسزانه‌اش و هیچ‌گاه حتی بدخواهانش نتوانستند او از نقطه ضعیفی در این زمینه بگیرند. انتشار تصویر خانه محقر مادر رئیس‌جمهور در مشهد پس از شهادتش بر آن تصویر صحنه گذشت و مردم به چشم دیدند اثنابنی سید محرومان با درد مردم حاصل زندگی ساده و پاک او و خانواده‌اش بوده است.

باشد یا بازگشت به گذشته یأس آور ۳ سال پیش! ۱- مردمی بودن به معنای واقعی: در کلام مقام معظم رهبری مردمی بودن مسؤول چندبعد و جلوه دارد؛ بعد اول در میان مردم بودن است. یعنی مردم او را ببینند و عزمش را لمس کنند و او نیز حقایق را بدون واسطه گزارشات و در تماس با مردم درک کند. بعد دوم، حرف زدن با مردم و تبیین صادقانه برنامه‌ها و گزارش‌دهی به مردم و وقع نهمان به شهتات و اعتراضات‌شان است. بعد سوم نیز اتخاذ سبک زندگی مردمی و دوری کردن از اشرافیگری و از موضع بالا به مردم نگاه کردن است (۱۳/۵/۱۴۰۰). سیدابراهیم رئیسی هر ۳ این ابعاد را در سلوک خود در تمام دوران مسؤولیت داشت. از دستپارزی سیستان تا احمدفدالله خوزستان، زهکسوت کرمان تا بازرغ چهارمحال و بختیاری، از روستای ملاعلی تا نقطه‌صفر مرزی افغانستان تا نقطه صفر مرزی آذربایجان در آخرین سفر دنبال ملاقات با مردم و جلب رضایت‌شان بود. شب یلدا میهمان سربازان وظیفه در یادگان می‌شد و ضیافت افطار را با ایستای بهزبستی می‌گذراند. سرزده به دیدار سیل‌زدگان سیستان و زلزله‌زدگان کرمان می‌رفت. این ارتباط مستمر و غیرنمایشی که حتی اسباب تمسخر ایشان از سوی سیاسیون زرد بندسابقه می‌شد، واقعیت رئیسی بود؛ چیزی که از شروع ریاست‌جمهوری از تیم حفاظت خواسته بود مبادا مانع از تباط من با مردم بشوید؛ من به از تباط با مردم نیاز دارم!؛ خاطر همین دیدار با مردم بود که رکورد سفرهای هلیکوپتری را شکسته بود. او نه تنها در کلام که در عمل نیز معتقد بود این انقلاب مردم‌پایه است و توجه به صلاح و رضایت مردم را ملامت مهم انقلابی بودن می‌دانست. این شهید بزرگوار احیای گفتمان خدمت به مردم در جمهوری اسلامی بود.

۲- بی‌حاشیبه: یکی از خصوصیات که معمولاً در دولت‌ها و بین سیاسیون روانی عادی است، طعنه زدن و جواب دادن به طعنه‌های رقیبای سیاسی است که متأسفانه در کشور ما هم متداول است و وقت زیادی از مسؤولان و رسانه‌ها می‌گیرد. این خصوصیتی است که سیدابراهیم شهید به جد از آن پرهیز داشت. در مناظرات انتخابات ۹۶ که شاهد ناجوانمردانه‌ترین تهمت‌های تاریخ انقلاب به او از سوی رقبایش بودیم، با وجود آنکه به خاطر سابقه سال‌ها فعالیت در دستگاه قضا و تسلط بر اسرار پشت پرده رقبایش قادر بود صحنه را به نفع خودش برگرداند، حاضر نشد خود را به این دست ابزار الوده کند. هیچ‌گاه برای پاسخ به بدگویی‌ها فرصت نسوزاند. دلیل این رفتار را در جلسه آخر حضورش در هیأت دولت به وزرا گفته بود که من چیزی را که بوی اختلاف می‌دهد مطرح نمی‌کنم و این جفا به مردم و از آستانه تحمل مردم خارج است. رئیس‌جمهور شهید این نقطه را امتحان خود می‌دانست و به خاطر رضای خدا و خواسته رهبری و سر هم نخوردن آرامش مردم حتی در مواردی که

یادداشت

بار دیگر رئیس‌جمهوری پاک و ارزشمند را از دست داد. آیت‌الله شهید سیدابراهیم رئیسی خدمتگزار

مخلص مردم بود که عاقبت در راه خدمت به آنان دچار سانحه شد و جسم پاکش سوخت تا تصویر خود را تا ابد در قاب افتخار آمیز خادمی ملت در انهان دنیا ثبت کند. نکته شگفت‌انگیز برای رسانه‌های دنیا پس از اعلام خبر شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهانش، اجتماعات عظیم مردمی در سراسر کشور بویژه حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع پایتخت بود. رسانه‌های بدخواه ملت ایران ابتدا خیلی تلاش کردند تصویری شاد یا حداقل بی‌تفاوت را از مردم نسبت به فقدان رئیس‌جمهورشان مخایه کنند اما حضور معنادر مردم عزادار و ابراز احساسات عمیق نسبت به رئیس‌جمهور شهید قابل نادیده گرفتن نبود. انعکاس تشییع شهدای خدمت در دنیا، نگاه جهانی به نظام جمهوری اسلامی و پایه‌های آن بین مردم ایران را به شدت ارتقا داد و خیلی‌ها را غافلگیر کرد. دلایل عدم آمادگی رسانه‌های خارجی و برخی داخلی‌ها واضح است. از نظر آنان پایگاه مردمی نظام اسلامی به شدت تضعیف شده بود و مردم علاقه‌ای به سران کشورشان نداشتند. ضمن اینکه آنها تصور می‌کردند فقدان شهید رئیسی به عنوان رئیس‌جمهوری که با یک انتخابات ضعیف روی کار آمده، در مهر قیمت ارز و کالاهای اساسی نمره بالایی نداشته، در دوره ریاستش فتنه مهسا و ریزش بخشی از بدنه اجتماعی و تعمیق گسل‌های فرهنگی را از سر گذرانده. تبلیغات رسانه‌های زرد داخلی و بیگانه به شدت علیه او بوده و. برای مردم تأثیر برانگیز نیست، بویژه که در گذشتش عامل مهاجم خارجی هم دخیل نبوده که غیرت ملی را به جوش بیاورد. حال پرسش این است: چشم‌ها و قلب‌های مردم ایران در رئیس‌جمهور شهیدشان چه می‌دید که اینگونه برای وداع با او سر از پانمی شناخت؟ این حادثه مثل تمام حوادث دیگر جعبه سیاهی دارد که باید رمزگشایی شده و معماها را پاسخ دهد. راز این محبوبیت در ویژگی‌های شخصی و مسیر زندگی و دوران خدمت آیت‌الله رئیسی است که به دلایلی در زمان حیاتش توجه جمعی مردم را برانگیخته نکرده بود و زمان و مکان و چگونگی سانحه شهادت ایشان موجب شکسته شدن این شیشه عطر و افشای رایحه دل‌انگیز وجود ارزشمند او در مشام جان مردم شد و هیچ رسانه الوده‌ای نتوانست از پس کتمان آن بربیاید. برخی از این ویژگی‌ها را – که بر ما آشکار شده و این نوشتار گنجایش بیانش را دارد – در ادامه مرور می‌کنیم. اهمیت گشایش این جعبه سیاه از این رو است که ملت ایران در آستانه انتخاب حساسی قرار دارد که می‌تواند تعیین‌کننده اوج گرفتشتن از روی سسکوی پرش حاصل شده از زحمات شهید رئیسی